

کتابخانه

۴ وحدت اسلامی

جایگاه علمی شکر



الْعِلْمُ بِدِينِهِ

و

وحدت
اسلامی

استاد شهید مرتضی مطهری



وحدت اسلامی

صفحه ۱۸

وحدت اسلامی ۴

الغدیر و وحدت اسلامی، استاد شهید مطهری، پاییز ۱۳۹۴

طرح جلد: سید مجتبی نبی زاده

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱

کد پستی: ۳۷۱۶۶ - ۳۷۱۵۱

سامانه پیامک: ۱۵۴۲ ۳۰۰۰

پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.org

رایانامه: info@1542.org

بسم رب العرش العظيم

مقدمه

کتاب شریف «الغدیر» موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورده است. اندیشمندان اسلامی از زوایا و جوانب مختلف: ادبی، تاریخی، کلامی، حدیثی، تفسیری، اجتماعی بدان نظر افکنده‌اند. آنچه از زاویه اجتماعی می‌توان بدان نظر افکند، «وحدت اسلامی» است.

مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را، خصوصاً در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدانها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه خلافت کهن و اختراع خلافت نوین است، از ضروری‌ترین نیازهای اسلامی می‌دانند. اساساً چنانکه می‌دانیم وحدت اسلامی و اخوت اسلامی سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهمّ مقاصد اسلام است. قرآن و سنت و تاریخ اسلام گواه آن می‌باشد.

از این رو برای برخی این پرسش پیش آمده که آیا تألیف و نشر کتابی مانند الغدیر - که به هر حال موضوع بحث آن کهن‌ترین مسئله خلافتی مسلمین است - مانعی در راه هدف مقدس و ایده‌آل عالی «وحدت اسلامی» ایجاد نمی‌کند؟ ما لازم می‌دانیم مقدمتاً اصل مطلب را (یعنی مفهوم و حدود وحدت اسلامی) را روشن کنیم، سپس نقش کتاب شریف الغدیر و مؤلف جلیل‌القدرش علامه امینی (رضوان الله علیه) را توضیح دهیم.

وحدت اسلامی

مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مقترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟

مخالفین اتحاد مسلمین برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مقترقات آنها- که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی- نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

این دانشمندان می‌گویند مسلمین مایه وفاقهای بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و

قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستشها و نیایشها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است.

مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند؟ از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند، همچنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر، ایجاب می‌کند، این است که مسلمین - برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد - متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت - لااقل - حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۱.

برای برخی این تصور پیش آمده که مذهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند، اما مذهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر

دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای بهم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علی‌هذا آنجا که مثلاً اصل «امامت» آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل شیعه و سنی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند، دشمن هر که باشد.

گروه اول به این گروه پاسخ می‌دهند، می‌گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه بهم پیوسته بشماریم و از اصل «یا همه یا هیچ» در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ» و «مَا لَا يُدْرِكُ كُلُّهُ لَا يُتْرَكُ كُلُّهُ» است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درسهاست. علی علیه السلام راه و روشی بسیار منطقی و معقول که شایسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد. او برای احقاق حق خود از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند، اما هرگز از شعار «یا همه یا هیچ» پیروی نکرد. برعکس، اصل «ما لایدرك كله لا يترك كله» را مبنای کار خویش قرار داد.

علی در برابر رباندگان حقش قیام نکرد و قیام نکردنش اضطراری نبود، بلکه کاری حساب‌شده و انتخاب‌شده بود. او از مرگ بیم نداشت، چرا قیام نکرد؟ حداکثر این بود که کشته شود. کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود. او همواره در آرزوی شهادت بود و با آن از کودک به پستان مادر مأنوس‌تر بود. علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام در آن شرایط، ترک قیام و بلکه همکاری و همکاری است. خود کرارا به این مطلب تصریح می‌کند.

در یکی از نامه‌های خود به مالک‌اشتر (نامه ۶۲ از نامه‌های نهج‌البلاغه) می‌نویسد:

فَأَمْسَكْتُ بِيَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَشِيتُ أَنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ تَلْمَازًا أَوْ هَذَا مَا تُكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قُوَّتِ وَلَايَتِكُمْ الَّتِي أَمَّا هِيَ مَتَاعٌ أَيَّامٍ قَلِيلٌ.

من اول دست خود را پس کشیدم، تا دیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دین محمد

صلی الله علیه و آله دعوت می کنند. پس ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمین برنخیزم شکاف یا انهدامی در اسلام خواهیم دید که مصیبت آن از فوت خلافت چندروزه بسی بیشتر است.

در شورای شش نفری پس از تعیین و انتخاب عثمان به وسیله عبدالرحمن بن عوف، علی علیه السلام شکایت و هم آمادگی خود را برای همکاری اینچنین بیان کرد:

لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ عُبَيْرٍ، وَ وَاللَّهِ لَأَسْلَمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً.^۱

شما خود می دانید من از همه برای خلافت شایسته ترم، و حال به خدا قسم مادامی که کار مسلمین روبراه باشد و رقیبان من تنها به کنار زدن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود.

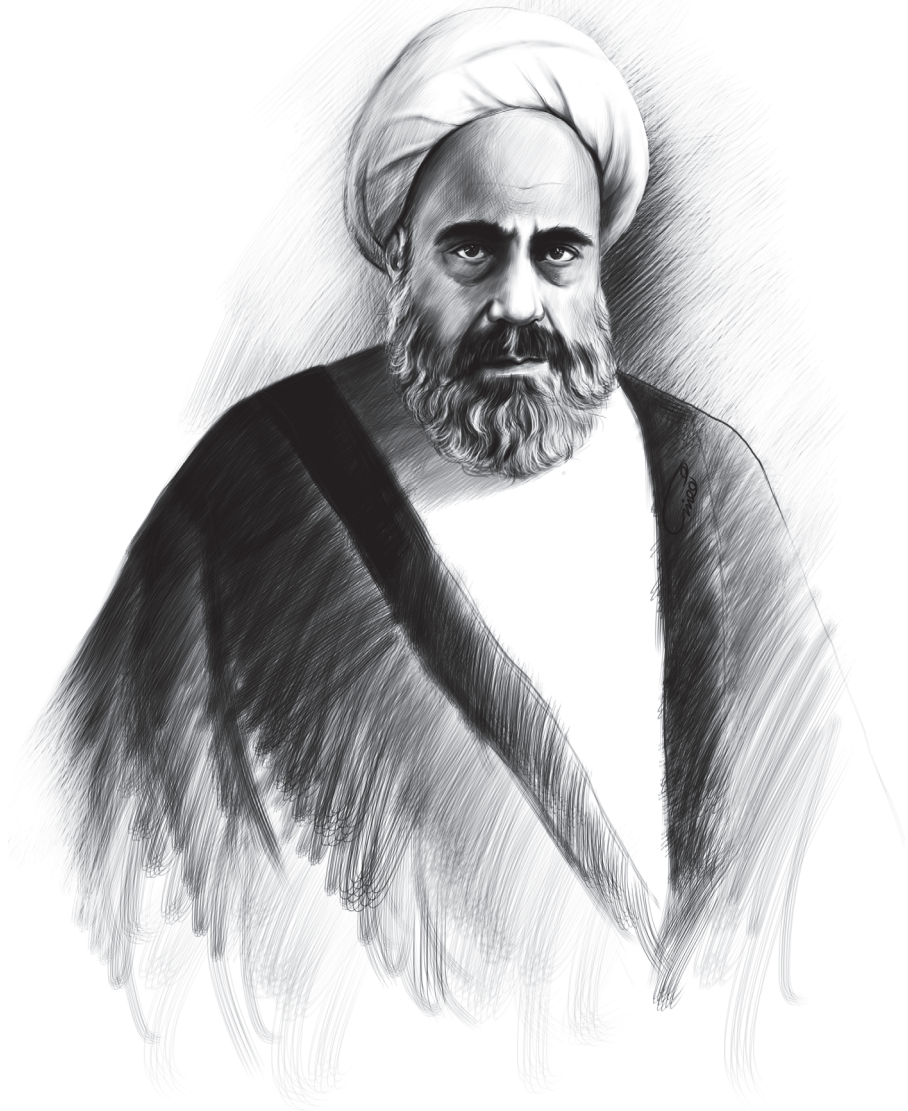
اینها می رساند که علی اصل «یا همه یا هیچ» را در این مورد محکوم می دانسته است. نیازی نیست درباره روش و سیره علی علیه السلام در این موضوع بیشتر بحث شود، شواهد و دلایل تاریخی در این زمینه فراوان است.

علامه امینی

اکنون نوبت آن است که ببینیم علامه بزرگوار آیت‌الله امینی، مؤلف جلیل‌القدر الغدیر، از کدام دسته است و چگونه می‌اندیشیده است؟ آیا ایشان وحدت و اتحاد مسلمین را تنها در دایره تشیع قابل قبول می‌دانسته‌اند، یا دایره اخوت اسلامی را وسیعتر می‌دانسته و معتقد بوده‌اند اسلام که با اقرار و اذعان به شهادتین محقق می‌شود، خواه ناخواه حقوقی را به عنوان حق مسلمان بر مسلمان ایجاد می‌کند و صلّه اخوت و برادری که در قرآن به آن تصریح شده، میان همه مسلمین محفوظ است.

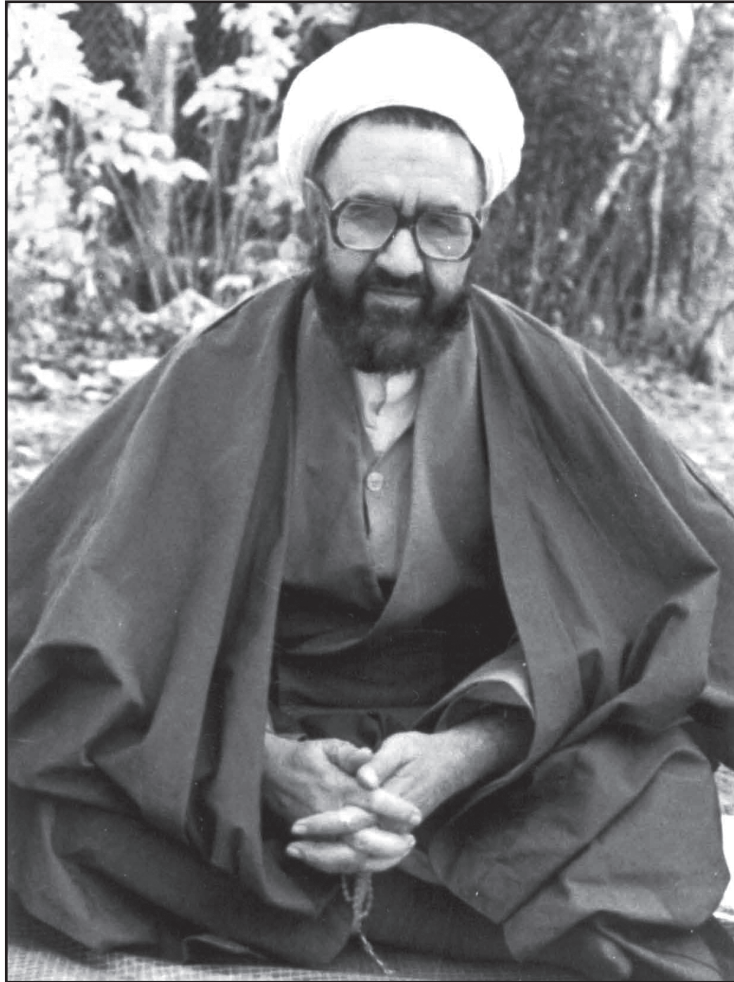
علامه امینی به این نکته که لازم است نظر خود را در این موضوع روشن کنند و اینکه نقش الغدیر در وحدت اسلامی چیست، آیا مثبت است یا منفی، خود کاملاً توجه داشته‌اند و برای اینکه از طرف معترضان - اعمّ از آنان که در جبهه مخالف خودنمایی می‌کنند و آنهایی که در جبهه موافق خود را جا زده‌اند - مورد سوء استفاده واقع نشود، نظر خود را مکرّر توضیح داده و روشن کرده‌اند.

علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن‌بینانه بدان می‌نگرند. معظم‌له در فرصتهای مختلف در مجلدات الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند و ما قسمتی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:



در مقدمه جلد اول اشاره کوتاهی می‌کنند به اینکه الغدیر چه نقشی در جهان اسلام خواهد داشت. می‌گویند: «و ما این‌همه را خدمت به دین و اعلاّی کلمه حق و احیای امت اسلامی می‌شماریم.»
در جلد سوم، صفحه ۷۷، پس از نقل اکاذیب ابن تیمیّه و آلوسی و قسیمی، مبنی بر اینکه شیعه برخی از اهل بیت را از قبیل زید بن علی بن الحسین دشمن می‌دارد، تحت عنوان «نقد و اصلاح» می‌گویند:
... این دروغها و تهمت‌ها تخم فساد را می‌کارد و دشمنیها را میان امت اسلام برمی‌انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می‌نماید و جمع امت را متشتت می‌سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد.
نیز در جلد سوم، صفحه ۲۶۸، تهمت سید رشید رضا را به شیعه، مبنی بر اینکه «شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می‌شود تا آنجا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند» نقل می‌کنند و می‌گویند:

این دروغها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضاست. شیعیان ایران و عراق که قاعدتاً مورد این تهمت هستند و همچنین مستشرقان و سیاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیرهم که در ایران و عراق رفت و آمد داشته و دارند خبری از این جریان ندارند. شیعه بلااستثناء، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است. هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، در غم آنها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را که در قرآن و سنت بدان تصریح شده محدود به جهان تشیع نکرده است و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است. نیز در پایان جلد سوم، پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما از قبیل عقدالفرید ابن عبد ربّه، الانتصار ابوالحسین خیاط معتزلی، الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی، الفصل ابن حزم اندلسی، الملل والنحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی، منهاج السنه ابن تیمیّه و البدایه و النهایه ابن کثیر و چند کتاب از کتب متأخرین از قبیل تاریخ الامم الاسلامیه شیخ محمد خضری، فجر الاسلام احمد امین، الجوله فی ربوع الشرق الادنی محمد ثابت مصری، الصراع بین الاسلام و الوثنیه قسیمی و الوشیعه موسی جار الله می‌گویند:
هدف ما از نقل و انتقاد این کتب این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این



کتابها بزرگترین خطر را برای جامعه اسلامی به وجود می‌آورد، زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می‌کند، صفوف مسلمین را می‌پراکند، هیچ عاملی بیش از این کتب صفوف مسلمین را از هم نمی‌پاشد و وحدتشان را از بین نمی‌برد و رشته اخوت اسلامی را پاره نمی‌کند.

علامه امینی در مقدمه جلد پنجم تحت عنوان «نظریة کریمة» به مناسبت یکی از تقدیرنامه‌هایی که از مصر درباره الغدیر رسیده است، نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می‌کنند و جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارند، می‌گویند:

عقاید و آراء درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله **أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ** **أَخُوَّةٌ** بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند، هرچند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد. سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است.

ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است.

ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنیم و تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نماییم. پیام همه ما این است که: **أَنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامُ** و شعار همه ما **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** است. آری ما حزب خدا و حامیان دین او هستیم.

علامه امینی در مقدمه جلد هشتم تحت عنوان «الغدیر یوحد الصفوف فی الملة الاسلامیة» مستقیماً وارد بحث نقش الغدیر در وحدت اسلامی می‌شوند. معظم‌له در این بحث، اتهامات کسانی را که می‌گویند الغدیر موجب تفرقه بیشتر مسلمین می‌شود، سخت رد می‌کنند، و ثابت می‌کنند که برعکس، الغدیر بسیاری از سوء تفاهمات را از بین می‌برد و موجب نزدیکی‌تر شدن مسلمین به یکدیگر می‌گردد.

آنگاه اعترافات دانشمندان اسلامی غیرشیعه را در این باره شاهد می‌آورند و در پایان، نامه شیخ محمد سعید دحدوح را به همین مناسبت نقل می‌کنند.

ما برای پرهیز از اطاله بیشتر، از نقل و ترجمه تمام گفتار علامه امینی تحت عنوان بالا که همه در توضیح نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی است صرف نظر می کنیم، زیرا آنچه نقل کردیم برای اثبات مقصود کافی است. نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می کند، و ثابت می کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - برخلاف تبلیغات زهرآگین عده‌ای - مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است. ثانیاً ثابت می کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل اینکه شیعه غیرمسلمان را بر مسلمان غیرشیعه ترجیح می دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمان شادمان می گردد، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت ائمه می رود، یا در نماز چنین می کند و در ازدواج موقت چنان، بکلی بی اساس و دروغ است. ثالثاً شخص شخص امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را که مظلومترین و مجهول‌القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود، و همچنین ذرّیه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می کند.



برداشت دیگران از «الغدیر»

برداشت بسیاری از دانشمندان بی‌غرض مسلمان غیرشیعه از الغدیر همین است که ما گفتیم. محمد عبدالغنی حسن مصری در تقریظ خود بر الغدیر که در مقدمه جلد اول، چاپ دوم، چاپ شده است می‌گوید:

از خداوند مسئلت می‌کنم که بر که آب زلال شما را سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده، بنای امت اسلامی را بسازند.

عادل غضبان، مدیر مجله مصری «الکتاب»- در مقدمه جلد سوم- می‌گوید:
این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب، شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند.

دکتر محمد غلاب، استاد فلسفه در دانشکده «اصول دین» جامع ازهر، در تقریظی که بر الغدیر نوشته و در

۱. غدیر در عربی به معنای گودال آب است.

مقدمه جلد چهارم چاپ شده می گوید:

کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به دستم رسید، زیرا اکنون مشغول جمع آوری و تألیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستم، لهذا خیلی مایلم که اطلاعات صحیحی درباره شیعه امامیه داشته باشم. کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد.

دکتر عبدالرحمن کیالی حلبی در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدیر چاپ شده، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر، و اینکه چه عواملی می تواند مسلمین را نجات دهد، و پس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است، می گوید:

کتاب الغدیر و محتویات غنی آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده اند و حقیقت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم.

آری آن بود وجهه نظر علامه امینی درباره مسئله مهم اجتماعی عصر ما، و این است عکس العمل نیکوی آن در جهان اسلام. (رضوان الله علیه).

امیرالمؤمنین در برابر ربایندگان حش قیام نکرد
و قیام نکردنش اضطراری نبود،
بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود ...
علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که
مصلحت اسلام در آن شرایط، ترک قیام
و بلکه همگامی و همکاری است.
او خود کراراً به این مطلب تصریح می کند.

مبارزات پیروز



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۱۵۴۲
www . ۱۵۴۲ . org
info @ ۱۵۴۲ . org